



بازشناسی پراکندگی زبانی - جغرافیایی گونه‌های زبانی لری

در سه استان همدان، لرستان و خوزستان با استفاده از رویکرد گویش‌سنجی

شیوا پیریایی^۱

اطلاعات مقاله

چکیده

در این پژوهش، داده‌های زبانی ۸۰ جایگاه، در محدوده جغرافیایی جنوب استان همدان، استان لرستان و شمال استان خوزستان با به کارگیری بسته نرم‌افزاری نقشه‌نگاری و گویش‌سنجی گب‌مپ و استفاده از الگوریتم فاصله لونشتاین مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. هدف از انجام این مطالعه، مشخص نمودن تقسیم‌بندی دقیق از گونه‌های زبانی رایج در منطقه و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر، با ترسیم نقشه و نمودار و در نهایت به دست آوردن تصویری از وضعیت زبان‌شناختی و قوم‌شناسی ساکنین منطقه مورد مطالعه است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل ۱۰۰ واژه است که با روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای از ۸۰ گویشور بومی منطقه جمع‌آوری شده و در مجموع ۸۰۰۰ واژه در این مطالعه مورد گویش‌سنجی قرار گرفته‌اند. در نتیجه انجام این پژوهش، سه گونه اصلی لری شمالی، لری بختیاری و لکی در منطقه مورد مطالعه شناسایی شدند. همچنین، مشخص شد که گونه‌های فرعی به دست آمده (لری شمالی A، لری شمالی B1، لری شمالی B2، لری بختیاری A و لری بختیاری B) متفاوت از تقسیم‌بندی‌های پیشین گونه‌های لری هستند و به صورت پیوستاری زبانی در پهنه جغرافیایی مورد نظر پراکنده شده‌اند. بررسی تناوب‌های آوایی و واژگانی داده‌های این پژوهش نیز همگی ماهیت پیوستاری بودن این گونه‌ها را تایید می‌کند.

واژه‌های کلیدی:

گویش‌سنجی، الگوریتم فاصله لونشتاین، زبان لری، زبان لکی، تناوب آوایی - واژگانی.

^۱دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس - عضو گروه زبان‌شناسی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

مقدمه

اقوام لر، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های قومی در ایران هستند که حدود ۳۰۰۰ سال پیش، همچون دیگر آریایی‌ها از سرزمین‌های آسیای میانه به ایران کنونی مهاجرت نمودند. امروزه، این اقوام، در مناطق وسیعی از ایران پراکنده‌اند. آمار دقیقی از جمعیت لرها در دسترس نیست؛ اما حدود آن ۴ میلیون نفر تخمین زده می‌شود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۱: ۸؛ Anonby, 2003: 172).

دلایل انتخاب گونه‌های زبانی لری در این پژوهش عبارتند از: ۱- جمعیت قابل‌توجه لرزبانان (بیش از ۴ میلیون نفر) و پراکندگی گسترده آن‌ها در ۹ استان ایران (MacKinnon, 2011; Anonby, 2003: 173) ۲- فقدان هرگونه رسم‌الخط رسمی لری به‌منظور ثبت و مکتوب نمودن ادبیات شفاهی و داده‌های زبانی گونه‌های آن ۳- تأثیر روزافزون زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی بر نسل جدید لرزبانان و مهاجرت آن‌ها به مناطق فارسی‌زبان و در نتیجه ایجاد دوزبان‌گویی و در نهایت محو شدن تدریجی گونه‌های زبانی لری و ۴- شناسایی گونه‌های مختلف لری و نحوه ارتباط آن‌ها با دیگر گونه‌های زبانی مجاور.

بنابراین، در این پژوهش، گونه‌های زبانی رایج در مناطقی از سه استان همدان، لرستان و خوزستان، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت تا نحوه پراکندگی جغرافیایی-زبانی و تا حدودی نژادی-قومیتی این اقوام در این پهنه جغرافیایی بیشتر مشخص شده تا از این طریق بتوان به طبقه‌بندی دقیقی از این گونه‌ها دست یافت. انجام چنین تحقیقاتی، می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر نحوه ثبت، مستندسازی و گویش‌سنجی دیگر گونه‌های زبانی لری رایج در ایران و مشخص شدن میزان شباهت و تفاوت گونه‌های مختلف آن با یکدیگر داشته باشد. در واقع، اندازه‌گیری فاصله زبانی میان گونه‌های زبانی از طریق روش‌های رایانشی و بدون اعمال سلیقه فردی، کمک بسیاری به شناسایی دقیق تقسیم‌بندی گونه‌های زبانی و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌کند. براین‌اساس، شناسایی خوشه‌های زبانی رایج در هر منطقه، خود می‌تواند مبنای پژوهش‌های قوم‌شناسی^۱، انسان‌شناسی^۲ و تبارشناسی^۳ قرار گیرد.

¹ Ethnology

² Anthropology

³ Genealogy

در گویش‌سنجی، رویکردهای کمی^۱، نقطهٔ مقابل رویکردهای سنتی^۲ هستند. در رویکردهای سنتی، نحوهٔ توزیع و پراکندگی گونه‌های زبانی در پهنهٔ جغرافیایی مشخصی براساس پیش‌فرض‌ها و شمّ زبانی مردمان بومی منطقه به دست می‌آید. این رویکردها، واقعیات زبانی را به شیوه‌ای ساده به تصویر می‌کشد. به همین علت، فقدان همپوشی منظم میان خطوط همگویی^۳ و اعمال سلیقه و نظر شخصی در انتخاب خوشه یا بافه‌های^۴ همگویی از جمله ایرادات آن‌ها محسوب می‌شود. مزیت استفاده از رویکردهای کمی در مقابل رویکردهای سنتی، طبقه‌بندی دیجیتالی داده‌ها، اندازه‌گیری خودکار فاصله‌ها و فراوانی‌ها، نقشه‌نگاری دیجیتالی بروندادها و ارائهٔ تحلیل‌های آماری از داده‌های زبانی است که منجر به تحلیل انبوهه^۵ داده‌های زبانی بدون دخالت سلیقهٔ فردی پژوهشگر می‌گردد (ملایی پاشایی، ۱۳۹۳: ۵۳). از این رو، در این پژوهش نیز با به‌کارگیری یکی از رویکردهای کمی، یعنی فاصله‌سنجی زبانی^۶، حجم عظیمی از داده‌های زبانی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بنابر گوئبل^۷ (-37، 1984: 4041، 1982: 81)، فاصله‌سنجی زبانی، ابزاری کاربردی به‌منظور مطالعهٔ خویشاوندی‌های زبانی است.

همچنین، از آن‌جا که مطالعات زبان‌ها و گویش‌ها در هر جامعه‌ای، رابطه‌ای نزدیک با حفظ هویت و میراث فرهنگی آن جامعه دارد، انجام پژوهش و تحقیقی علمی و نظام‌مند پیرامون زبان‌ها و گویش‌ها نزد پژوهشگران و متخصصان زبان‌شناس توجهی دوچندان می‌طلبد. بخش عمدهٔ تحقیقات انجام‌شده بر روی گونه‌های زبانی ایرانی عمدتاً به صورت مطالعاتی بر روی جوانبی زبان‌شناختی از آن گونهٔ زبانی خاص است و در کمتر پژوهشی شاهد مقایسه و تطبیق این گونه‌ها و یافتن رابطه‌ای نظام‌مند میان آن‌ها، تهیهٔ اطلسی زبان‌شناختی و در نهایت ارائهٔ طبقه‌بندی دقیق، علمی و نظام‌مند از آن‌ها بوده‌ایم. البته لازم به‌ذکر است که در سال‌های اخیر، پژوهشگران زبان‌شناس، پژوهش‌هایی پیرامون گویش‌سنجی و تهیهٔ اطلس در زمینهٔ تعدادی از گونه‌های زبانی ایرانی انجام داده‌اند که در این میان خلاء انجام پژوهشی نظام‌مند در این زمینه بر روی گونه‌های زبانی لری کاملاً محسوس بوده‌است.

¹ Quantitative Approaches

² Traditional Approaches

³ Isogloss

⁴ Bundles

⁵ Aggregate Analysis

⁶ Measuring Linguistic Distance

⁷ Goeble, H

۱. پیشینه پژوهش

اشاره به واژه لُر برای نخستین بار در نوشته‌های برخی از مورخین و جغرافی‌نگاران قرن چهارم هجری، از جمله التنیه و الاشراف (۸۴-۸۵)، صورة الارض (۱۱۴)، احسن التقاسیم فی معرفه القالیم (۶۰۶، ۶۱۱، ۶۲۵) و تقویم البلدان (۳۵۶) به صورت اللّیه، لاریه، بلاد اللور، لور و لوریه ثبت شده است (به نقل از امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۱: ۱۶). تا پیش از قرن هشتم هجری، هیچ‌گونه مطلبی از زبان لُری وجود نداشت؛ حمدالله مستوفی نخستین کسی بود که در تاریخ گزیده (۵۳۸) برای اولین بار به طوایف و ایلات لُر و زبان لُری اشاره کرده است.

همچنین، اُرانسکی^۱ (۱۳۵۸: ۳۱۲-۳۱۱)، راولینسون^۲ (۱۳۶۰: ۱۵۵)، مان^۳ (۱۹۰۴، ۱۹۱۰)، ژوکوفسکی^۴ (۱۹۲۲)، لوریمر^۵ (۱۹۲۲)، اونوالا^۶ (۱۹۵۵)، مک‌کینان^۷ (۱۹۷۴؛ ۲۰۰۲)، امان‌اللهی و تکستون^۸ (۱۹۸۷)، لکوک^۹ (۱۹۸۹)، بلو^{۱۰} (۱۹۸۹)، آساطوریان^{۱۱} (۱۹۹۱)، حصوری (۱۳۴۲)، ایزدپناه (۱۳۴۳)، امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۱)، عسکری عالم (۱۳۸۴) و کرمیان (۱۳۹۲) هریک تحقیقاتی بر گونه‌های مختلف لُری انجام داده و این گونه‌ها را براساس معیارهای جغرافیایی و قومیتی به گروه‌های مختلف تقسیم نموده‌اند.

در واقع، تا به حال پژوهش‌های بسیاری با رویکردهایی سنتی و علمی بر روی جنبه‌های مختلف گونه‌های زبانی لُری انجام شده که مطالعاتی در زمینه‌های واج‌شناسی، ساخت‌واژه، صرف و نحو را در بر می‌گیرد و تمامی آن‌ها صرفاً تحقیقاتی توصیفی و کیفی هستند نه تطبیقی و کمی. در این میان، تنها پژوهش آنونبی^{۱۲} (۱۹۷۱-۱۹۷: ۲۰۰۳) است که به بررسی آماری درصد شباهت ۱۵ گونه زبانی لُری با یکدیگر پرداخته است. عمده مطالعات و پژوهش‌های وی بر روی گونه‌های زبانی لُری جنوبی (رایج در کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی) و کومزاری متمرکز بوده و فاقد رویکردی گویش‌سنجی بوده‌اند.

^۱ Oranski, I.M

^۲ Rawlinson, H

^۳ Mann, O

^۴ Zhukovskii, V.A

^۵ Lorimer, D.L.R

^۶ Unvala, J.M

^۷ MacKinnon, C

^۸ Amanolahi, S.; Thackston, W.M

^۹ Lecoq, P

^{۱۰} Blau, J

^{۱۱} Asatrian, G

^{۱۲} Anonby, E

مجیدی و حق‌بین نیز در مقاله خود (۱۳۹۷)، با پژوهش بر روی ساخت نمودی سه‌گونه زبانی لری به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود شباهت‌های موجود میان زبان فارسی و گونه‌های زبانی لری، برخی ساخت‌های دستوری مورد استفاده در گونه‌های لری، به ساخت‌های دستوری زبان‌های گنایی ایران همچون کردی بسیار شبیه است. از این‌رو آن‌ها به این مورد اذعان دارند که جایگاه زبان لری بر روی طیف زبان‌های غربی میان زبان فارسی و زبان کردی است.

همچنین، دادرس و همکاران^۱ (2021: 28-27)، رابطه بین لری و فارسی را در چارچوب در زمانی و هم‌زمانی مورد بررسی قرار داده‌اند و بنابر اسناد تاریخی که آن‌ها در پژوهش خود معرفی نموده‌اند، گونه‌های زبانی لری را متمایز از زبان فارسی در نظر گرفته‌اند و هریک از آن‌ها را، به‌طور مجزا، گویشی از فارسی میانه در نظر می‌گیرند؛ این موضوع برخلاف آن چیزی است که تا به حال مطرح‌بوده و لری، گویشی از فارسی محسوب می‌شده‌است.

استفاده از رویکردهای کمی در مطالعات گویش‌شناسی و به کارگیری روش‌های مختلف گویش‌سنجی و اندازه‌گیری فاصله‌های زبانی در پژوهش‌های غیرایرانی، به مطالعات سگوی^۲ (۱۹۷۳) و گوئبل (۱۹۸۲) بازمی‌گردد. کسلر^۳ (۱۹۹۵)، نخستین کسی بود که از فاصله لونشتاین برای یافتن فواصل زبانی بین گویش‌ها استفاده نمود. سپس هیرینگا^۴ و نربون^۵ (۱۹۹۷) با به‌کارگیری رویکرد فاصله لونشتاین بر روی گویش‌های هلندی، پژوهشی بسیار قابل توجه و راهگشا در این زمینه انجام دادند. همچنین پژوهش‌های هیرینگا (۲۰۰۴)، سروا^۶ و پترونی^۷ (۲۰۰۷)، وندرآرک و همکاران^۸ (۲۰۰۷) و والز و همکاران^۹ (۲۰۱۲) بر روی زبان‌هایی همچون نروژی، هلندی، کاتالان، دانمارکی، سوئدی، آسیای میانه و... نیز در این میان بسیار حائز اهمیت هستند.

در ایران نیز، در طول دهه گذشته، گویش‌سنجی توجه پژوهشگران متعددی را در حوزه زبان و گویش‌های ایرانی به خود معطوف نموده‌است. پژوهش‌های گویش‌سنجی بر روی گونه‌های زبانی رایج در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، همدان، مازندران، گرگان، یزد، ایلام و

¹ Dadras et al.

² Seguy, J

³ Kessler, B

⁴ Heeringa, W

⁵ Nerbonne, J

⁶ Serva, M

⁷ Petroni, F

⁸ Van der Ark et al.

⁹ Valls et al.

مناطق جغرافیایی چرداول و تالش به ترتیب توسط اسدپور (۱۳۹۰ الف، ب)، ملایی پاشایی (۱۳۹۳)، رستم‌بیک تفرشی (۱۳۹۴، ۱۳۹۵)، نجفیان و همکاران (۱۳۹۵)، سنایی (۱۳۹۵)، حیدری‌زاد (۱۳۹۸) و قسمت‌پور (۱۳۹۹) انجام شده‌است.

۲. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی هم‌زمانی از نوع توصیفی - تحلیلی است. به منظور انجام این پژوهش، از بسته نرم‌افزاری گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری گب‌مپ استفاده شده‌است. این بسته، شامل برنامه‌های مستقلی است که هریک بخشی از عملیات گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری RuG/L04 را انجام می‌دهند. استفاده از هریک از این قابلیت‌ها بستگی به نیاز پژوهشگر در به‌کارگیری هریک از آن‌ها دارد. جمع‌آوری، پردازش و تحلیل داده‌های این پژوهش، در سه مرحله انجام گرفته‌است. مرحله نخست مربوط به جمع‌آوری داده‌های پژوهش است که شامل ۱۰۰ پارامتر زبانی^۱ (واژه) از ۸۰ جایگاه و در واقع ۸۰ گویشور است. داده‌های موجود از سه طرح ملی گویش‌شناسی در استان‌های لرستان (دیناروند، ۱۳۹۲؛ دریس زایری، ۱۳۹۴) و خوزستان (سعیدی، ۱۳۹۱) و همچنین تحقیقات میدانی شخص پژوهشگر به دست آمده‌اند. به همین منظور، داده‌های ۶۰ جایگاه از دو استان لرستان و خوزستان، از سه طرح گویش‌شناسی فوق‌الذکر و داده‌های ۲۰ جایگاه در استان‌های لرستان و همدان، توسط پژوهشگر، به صورت میدانی و از طریق مصاحبه با گویشوران بومی مناطق مورد مطالعه جمع‌آوری شده‌است. گویشوران این پژوهش، ۸۰ زن و مرد، در بازه سنی ۲۰ تا ۷۰ ساله هستند. ۱۰۰ صورت واژگانی مورد استفاده در این پژوهش، واژه‌های پایه، اعم از اعضای خانواده، روابط خانوادگی، اعضای بدن، اعداد اصلی، حیوانات اهلی، واژه‌های مربوط به زمان، پدیده‌های طبیعی، طبیعت، ضمائر اشاره و محصولات کشاورزی را شامل می‌شود.

در مرحله دوم، فایل داده‌ها (شامل آوانویسی ۸ هزار صورت واژگانی) و فایل جاییابی جایگاه‌های مورد مطالعه براساس مختصات جغرافیایی آن‌ها در نرم‌افزار گوگل ارث^۲، به عنوان درونداد به نرم‌افزار مربوطه (RuG/L04) داده شده و سپس الگوریتم لונشتاین، به عنوان یکی از شیوه‌های تحلیل انبوهه، برای محاسبه شاخص فاصله زبانی، بر داده‌ها اعمال گردیده‌است. ماتریسی که در این پژوهش برای سنجش فاصله‌های زبانی گونه‌های مورد مطالعه به کار گرفته شده، ماتریسی ۸۰ × ۸۰ از فاصله‌های زبانی میان جایگاه‌ها است. در مرحله پایانی نیز، به منظور

^۱ Linguistic Item (Parameter)

^۲ Google Earth

دسته‌بندی گونه‌های زبانی به دست آمده، از زیربرنامه^۱ کلاستر^۱ استفاده شد که درون داد آن همان ماتریس شاخص فاصله زبانی مرحله پیش است؛ از این رو، الگوریتم وارد^۲ و گروه‌های دوتایی برابر براساس میانگین ریاضی (UPGMA)^۳ استفاده شده‌اند. این الگوریتم‌ها، گونه‌های زبانی مشابه‌تر را به صورت سلسله‌مراتبی در دسته‌های زبانی مجزا دسته‌بندی می‌کنند؛ سپس، برای خوانش آسان‌تر، این گروه‌ها با استفاده از زیربرنامه^۴ دن^۴ به صورت نمودار درختی ترسیم می‌گردند. همچنین در این بسته نرم‌افزاری، می‌توان با استفاده از ابزار آماری، ساختار داده‌های زبانی را نیز مورد مطالعه قرار داد؛ یکی از این ابزارها، تکنیک مقیاس‌گذاری چندبعدی ام دی اس^۵ است.

۳. گونه‌های زبانی پیکره

با بررسی‌های انجام شده در محدوده جغرافیایی این پژوهش، مشخص شد که حدود ۲۲٪ گونه‌های رایج در این ناحیه، گونه لکی و باقی، گونه‌های لری هستند. به همین علت، در این بخش، به هر دو گونه زبانی لری و لکی به طور مجزا پرداخته شده‌است.

۳-۱. گونه‌های زبانی لری

گونه‌های زبانی لری، زیرمجموعه زبان‌های ایرانی جنوب غربی و بازمانده‌ای از زبان فارسی باستان و فارسی میانه محسوب می‌گردند (Mann, 1904: 1175; Tedesco, 1921: 184). لُرزبانان با جمعیتی در حدود ۴ میلیون نفر در گستره وسیعی از منطقه غرب و جنوب غرب ایران، دامنه زاگرس تا سواحل خلیج فارس و حدود بین‌النهرین، در ۹ استان ایران^۶ پراکنده شده‌اند (Anonby, 2003: 173; MacKinnon, 2011). استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان نسبت به دیگر استان‌ها جمعیت لُرزبان بیشتری دارند. تاکنون تقسیم‌بندی‌های مختلفی از اقوام لُرزبان و گونه‌های زبانی لری انجام گرفته که عمدتاً براساس معیارهای قومیتی و جغرافیایی بوده‌است. مان (۱۹۱۰) و ایزدپناه (۱۳۴۳) در تقسیم‌بندی‌های خود از گونه‌های زبانی لری، که بیشتر براساس تقسیم‌بندی ایلاتی است، گویش‌های رایج در خرم‌آباد (فیلی) و مناطق مجاور آن را جزئی از گونه زبانی لر کوچک (لری

^۱ Cluster

^۲ Wards' method (minimum variance)

^۳ Weighted Pair Group Method using Arithmetic averages

^۴ den

^۵ MDS

^۶ استان‌های همدان، لرستان، خوزستان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، بوشهر و ایلام

شمالی) و دیگر گونه‌های لری را بخشی از لر بزرگ (لری جنوبی) می‌دانند. صفی‌نژاد (۱۳۸۱)، مردم لر را در یک گروه‌بندی بزرگ و کلی به دو شاخه اصلی تقسیم کرده‌است که عبارتند از: لر بزرگ و لر کوچک یا لرستان فیلی. مطابق با این تقسیم‌بندی، لر بزرگ دارای بخش‌بندی‌های گوناگونی است که براساس آن‌ها می‌توان مردم بختیاری، بویراحمدی‌ها و ممسنی‌ها را لر بزرگ نامید؛ او لر کوچک را لرهای ساکن در مناطق پشت‌کوه و پیش‌کوه در استان‌های ایلام، لرستان و شمال خوزستان می‌داند. امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۱: ۵۴-۵۵) زبان‌گونه لری را به دو گروه باختری و خاوری تقسیم می‌کند و مرز بین این دو را رودخانه دز قرار می‌دهد که لرستان و بختیاری را از هم جدا می‌کند. وی محدوده لری باختری را شامل مناطق بروجرد، سیلاخور، الیگودرز، خرم‌آباد، نهاوند و قسمتی از ملایر و توپسرکان (در استان همدان)، خوزستان شمالی (اندیشک و نواحی آن) و برخی از نواحی استان ایلام، و همچنین محدوده لری خاوری را متعلق به بخش‌هایی از استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، استان بوشهر، استان خوزستان و استان اصفهان می‌داند.

مک‌کینان نیز (1177- 1175: 2011) گونه‌های لری را که پیشتر به لر بزرگ و لر کوچک تقسیم شده بودند، به ترتیب با عنوان لری جنوبی و لری شمالی مطرح نمود. آنونبی (2003: 179) نیز اصطلاح لرستانی را به جای اصطلاح باختری امان‌اللهی به کار برده‌است؛ او (2003: 172) لری را پیوستاری زبانی بین گونه‌هایی از زبان‌های گُردی و فارسی می‌داند و آن را متشکل از سه زبان مجزا در نظر می‌گیرد: ۱- لرستانی (لرهای ثلاثی و فیلی) ۲- بختیاری (لرهای بختیاری) و ۳- لری جنوبی (لرهای ممسنی و کهگیلویه و بویراحمد).

۲-۳. گونه‌های زبانی لکی

در پژوهش حاضر، علاوه بر گونه‌های زبانی لری، گونه‌های لکی نیز در مناطق وسیعی از گستره جغرافیایی مورد مطالعه رواج دارند و حدود ۲۲٪ کل داده‌های زبانی را شامل می‌گردند. در رابطه با جایگاه گونه‌های لکی در میان زبان‌های ایرانی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. افرادی نظیر مینورسکی^۱ (1986a: 616- 617)، ویندفور^۲ (1990: 248)، لازار^۳ (1992)، امان‌اللهی (۱۳۷۱: ۵۲، ۵۵)، فتاح^۴ (2000: 7, 19, 56) و آنونبی (2004: 14; 2003: 18-19)، گونه‌های زبانی

¹ Minorsky, Vladimir

² Windfur, G

³ Lazard

⁴ Fattah, I.K

لکی را گونه‌ای از زبان کردی و زیرشاخه‌ای از زبان‌های ایرانی شمال غربی در نظر می‌گیرند؛ همچنین ایزدپناه^۱ (1987: vii)، لکی را جزئی از خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی می‌داند البته با این تفاوت که او این گونه زبانی را گونه‌ای متمایز ولی مرتبط با کردی در نظر می‌گیرد. دیدگاه سوم، متعلق به آساطوریان^۲ (2009: 12) است؛ او گونه‌های لکی را گونه‌های زبانی در حال انتقالی می‌داند که در نتیجه ارتباط و پیوند گونه‌های لری و کردی به وجود آمده‌اند. براساس آنونبی (2004: 8-9)، جمعیت لک‌زبانان در ایران که به حدود ۱ میلیون نفر می‌رسد، در استان‌های لرستان، ایلام و کرمانشاه پراکنده شده‌اند. او لک‌زبانان را به دو گروه تقسیم می‌کند: ۱- پشت‌کوه ۲- پیش‌کوه. گروه پیش‌کوه که معمولاً در استان لرستان ساکن هستند و گروه لک‌زبانان پشت‌کوه که در استان‌های ایلام، کرمانشاه و مرز ایلام و عراق سکونت دارند.

۴. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بخش ۳ بدان اشاره شد، ماتریس به دست آمده از فاصله‌های زبانی، به عنوان درون‌دادی برای زیربرنامه‌های بسته نرم‌افزاری Rug/L04 به کار برده می‌شود. برون‌دادهای این زیربرنامه‌ها، نقشه‌ها و نمودارهای دیجیتالی هستند که بازنمودی از نحوه خوشه‌بندی گروه‌های اصلی زبانی و مقیاس‌گذاری چندبعدی آنهاست. در این بخش، خوشه‌بندی گروه‌های زبانی بررسی شده، فاصله و رابطه زبانی میان آنها و همچنین تفاوت‌ها و تناوب‌های آوایی-واژگانی که در نتیجه بررسی این خوشه‌بندی‌ها مشخص شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱. نقشه‌نگاری و خوشه‌بندی

در دو نقشه‌ای که در ادامه آورده شده، موقعیت شهرستان‌ها و روستاهای (جایگاه‌ها) مورد مطالعه در این پژوهش مشخص شده‌است تا جایابی مکان‌های منطبق با گونه‌های زبانی را بر روی نقشه‌های مقیاس‌گذاری چندبعدی تسهیل کند.

¹ Izadpanah, H

² Asatrian, G.S

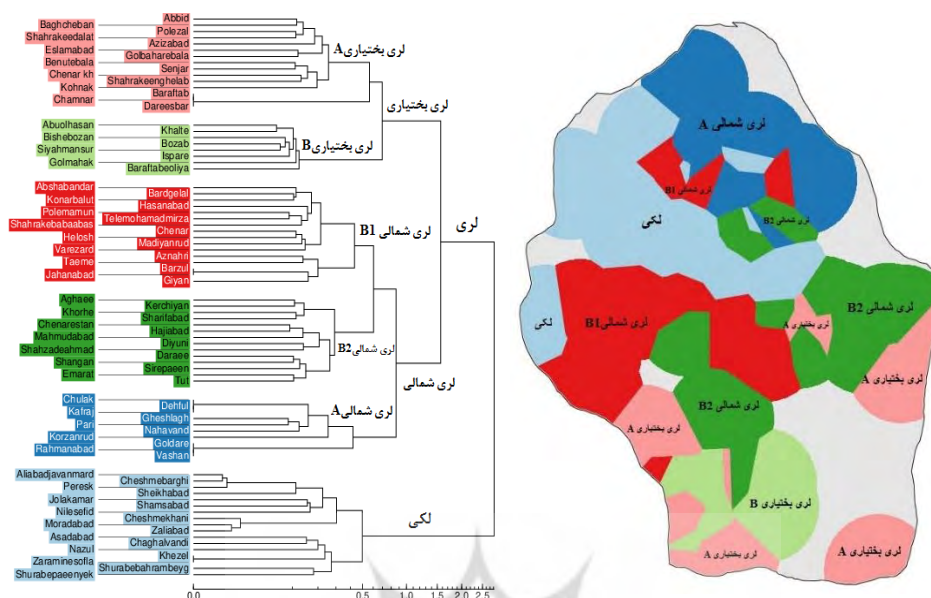


شکل شماره ۱. نقشه ۱۵ شهرستان و ۸۰ جایگاه مورد مطالعه در سه استان همدان، لرستان و خوزستان

در همین رابطه، نموداری از خوشه‌های زبانی و نقشه چندبعدی^۱ حاصل از آن به دست آمد که براساس آن‌ها، هر گونه زبانی رنگ منحصر به فرد خود را داراست و رنگ‌های متضاد، باز نمودی از تفاوت‌های زبانی موجود بین آن‌ها هستند؛ این تناوب‌ها و تفاوت‌های آوایی-واژگانی، باعث تقسیم هر خوشه به صورت دو زیرخوشه دیگر می‌گردند.

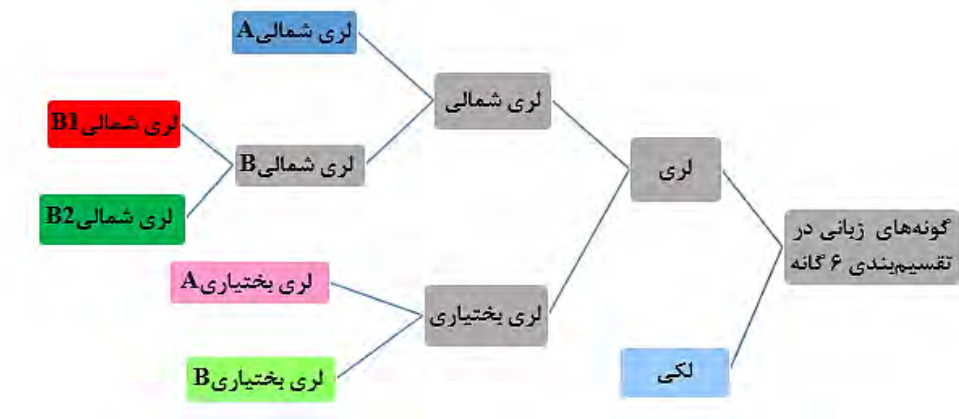
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ زیر برنامه‌های Mapclust و MDS، براساس الگوریتم رده‌بندی وارد (Ward)



شکل شماره ۲. نمودار و نقشه خوشه‌بندی گونه‌های زبانی رایج در جنوب استان همدان، استان لرستان و شمال استان خوزستان براساس روش وارد

با انجام این پژوهش، مشخص شد، از میان جایگاه‌های مورد مطالعه، ۴۰ جایگاه مربوط به گونه‌های زبانی لری شمالی، ۱۷ جایگاه گونه زبانی لکی و ۲۳ جایگاه متعلق به گونه‌های زبانی لری بختیاری هستند. شهرستان‌هایی که گونه‌های لری شمالی در آن‌ها رایج‌اند، شامل شهرستان‌های بروجرد، خرم‌آباد، دورود، دلفان، کوهدشت، پلدختر، ازنا و الیگودرز (استان لرستان)، شهرستان‌های ملایر، همدان و توپسرکان (استان همدان) و همچنین شهرستان اندیمشک (استان خوزستان) هستند؛ گونه‌های لکی در شهرستان‌های کوهدشت، نورآباد، سلسله، دورود، بروجرد و خرم‌آباد (استان لرستان) و شهرستان‌های ملایر و نهاوند (استان همدان) رواج دارند. همچنین گونه‌های لری بختیاری نیز در شهرستان‌های اندیمشک و دزفول (استان خوزستان) و شهرستان‌های دورود و الیگودرز (استان لرستان) مورد استفاده قرار می‌گیرند. در قسمت زیر تقسیم‌بندی گونه‌های زبانی رایج در منطقه مورد مطالعه را می‌توان مشاهده نمود:



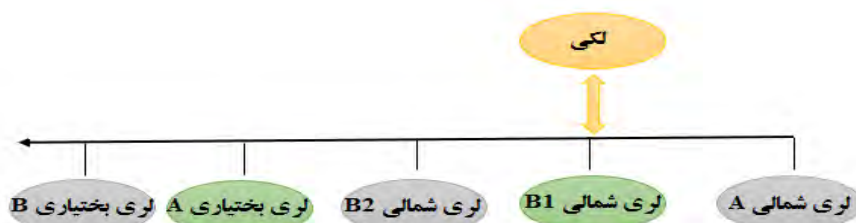
شکل شماره ۳. تصویری از تقسیم‌بندی گونه‌های زبانی رایج در جنوب استان همدان، استان لرستان و شمال استان خوزستان

براساس خوشه‌های زبانی به دست آمده و تحلیل تناوب‌های آوایی-واژگانی موجود میان داده‌های پژوهش، ماهیت پیوستاری گونه‌های زبانی لری مورد تایید قرار گرفت. براساس چمبرز^۱ و ترادگیل^۲ (5: 2004)، زبان ماهیتی پیوستاری دارد؛ ازاین‌رو ترسیم مرزهای معین زبانی بین گونه‌های مختلف ممکن نیست. علت آن، این است که تفاوت‌های زبانی در هریک از ابعاد منطقه‌ای و اجتماعی، نسبی و تدریجی است. یک زبان، مرزهای زبانی و مکانی ثابت، مشخص و قاطع ندارد (آرلاتو^۳، ۱۳۸۴: ۲۴). بنابراین، نمی‌توان با تعیین نقطه‌ای مشخص بر روی پیوستار زبانی، مرز زبانی قطعی بین دو گونه مجاور در نظر گرفت. در حقیقت، تفاوت‌های گونه‌های زبانی موجود بر روی یک پیوستار، بیشتر کمی است تا کیفی. در تصویر زیر، نحوه ارتباط گونه‌های زبانی مورد مطالعه با یکدیگر نشان داده شده است.

¹ Chambers, J.K

² Trudgill, P

³ Arlotto, A



شکل شماره ۴. تصویر پیوستار زبانی گونه‌های زبانی رایج در جنوب استان همدان، استان لرستان و شمال استان خوزستان

با توجه به پیوستار به دست آمده، گونه زبانی بختیاری A از نظر زبانی، با گروه لری شمالی B2 نزدیکی و شباهت بیشتری دارد؛ همچنین گروه لری بختیاری B، براساس تحلیل داده‌ها شباهت و نزدیکی بیشتری به زبان فارسی دارد. براین اساس، واژه‌هایی که بیشتر به فارسی شباهت دارند در گونه زبانی که در انتهای پیوستار قرار گرفته، یعنی بختیاری B یافت می‌شود و گونه میانی‌تر همچون بختیاری A، به نسبت یکسانی هم از واژه‌های نزدیک به فارسی و هم از واژه‌های محلی استفاده می‌کند. در گونه لری شمالی A و B2، واژه‌های فارسی بیشتری نسبت به گونه لری شمالی B1 یافت می‌شود. در واقع، گروه زبانی لری شمالی B1، از نظر برخی مشخصه‌های زبان‌شناختی، نزدیکی بیشتری به گونه زبانی لکی نشان می‌دهد.

بنابراین، براساس یافته‌های این پژوهش، مشخص شد که نمی‌توان مرزی قطعی میان گونه‌های زبانی رایج در مناطق مورد مطالعه تعیین نمود (برخلاف آنچه در گویش‌شناسی سنتی تحت عنوان مرز همگویی انجام می‌شد). تمامی گونه‌های زبانی مورد مطالعه در این پژوهش، با یکدیگر آهمیختگی زبانی دارند و تعیین مرز قطعی زبانی میان آن‌ها به هیچ‌روی امکان‌پذیر نیست. ویژگی پیوستاری بودن را می‌توان در تفاوت‌ها و تناوب‌های^۱ آوایی و واژگانی موجود میان سه گونه زبانی اصلی (لری شمالی، لری بختیاری و لکی) مورد مطالعه در این پژوهش مشاهده نمود. علت مطرح نمودن تنوع‌های آوایی به صورت تناوب، تفاوت در ریشه زبانی گونه‌های لکی و لری (به علت تعلق هریک به خانواده زبانی متفاوت) و در نتیجه یکسان نبودن زیرساخت واجی بخشی از داده‌های مورد مطالعه و همچنین در دسترس نبودن صورت‌های زیرساختی اولیه واژه‌های مورد مطالعه در این پژوهش، به علت فقدان منابع نوشتاری تاریخی از گونه‌های زبانی لری و لکی است.

¹ Alternation

۲-۴. تناوب‌های آوایی و واژگانی

تناوب، همان توزیع تکمیلی^۱ است که در مکتب‌های پیش از زایشی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. وجود تناوب بین دو مشخصه یا دو آوا، در سطح واجی، موجب می‌گردد که آن دو آوا، واج‌گونه‌های یک واج واحد در نظر گرفته شوند. در نتیجه، این بازنمایی زیرین، با یکی از دو مشخصه در تناوب همسان است (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۷). تناوب با نشانه (ـ) نمایش داده می‌شود (Crystal, 2008: 22). از همین‌رو، نمونه‌ای از تناوب‌های آوایی-واژگانی که بازنمودی از ماهیت پیوستاری گونه‌های زبانی مورد پژوهش هستند، در ادامه آورده شده‌اند:

۴-۲-۱. تناوب‌های آوایی

الف- تناوب بین همخوان‌های [b] ~ [v]: در جایگاه آغاز واژه، میان گونه‌های لری شمالی، بختیاری و لکی، در واژه‌هایی نظیر باد، باران، برگ، برف و بره، تناوب میان همخوان‌های [b] و [v] وجود دارد. معادل این واژه‌ها در لری شمالی و بختیاری، با همخوان [b] و در گونه لکی با همخوان [v] (در گونه‌های کردی غلت [w]) در آغاز واژه ظاهر می‌شود (MacKenzie, 1961: 76). نکته جالب‌توجه در خصوص این نمونه‌های واژگانی، این است که همخوان آغازین در معادل تمامی این واژه‌ها در فارسی میانه، غلت [w] بوده‌است (مکنزی^۲: ۱۳۸۸).

جدول ۱. نمونه‌هایی از واژه‌هایی که در آن‌ها بین همخوان‌های [b] و [v] تناوب وجود دارد

معادل فارسی	فارسی میانه	لکی	لری A شمالی	لری B1 شمالی	لری B2 شمالی	لری بختیاری
برگ	warg- walg	barg- balg	balg	barg- balg	barg	barg
باد	wad	va	bad	baj- bad	bad	bad
باران	waran- waranig	varun- varo	baro	baro- baru	baru	baru(n)
برف	wafr	vijar- varf	barf	barf	barf	barf
برّه	waran- warrag	vark	bara	bera- bara	bera- bara	bara

¹ Complementary Distribution

² MacKenzie, D.N

ب- تناوب آوایی بین همخوان‌های [x] ~ [h]: در بررسی داده‌های پژوهش، تناوبی از دو همخوان سایشی نرمکامی بیواک [x] و سایشی چاکنایی بیواک [h] را می‌توان در برخی واژه‌ها مشاهده نمود.

جدول ۲. نمونه‌هایی از واژه‌هایی که تناوب بین همخوان‌های [h] و [x] در آن‌ها وجود دارد

معادل فارسی	لکی	لری شمالی A	لری شمالی B1	لری شمالی B2	لری بختیاری
خاله	hala	xala	hala	xala- xala	xala
پدر/ مادر همسر	hasura	xesira	ha(e)sira	xesira- hosira	xosi
خشک	hoʃk- hoʃk	hoʃk- hoʃk	høʃk	hoʃk- xoʃk	xoʃk

اگر گونه‌های زبانی مورد پژوهش را به صورت پیوستاری زبانی در نظر بگیریم، در یک سمت پیوستار، گونه لکی قرار دارد که در آن، صورت‌های آوایی مربوطه همگی از همخوان [h] استفاده می‌کنند و در سمت دیگر پیوستار نیز، گونه‌های بختیاری‌اند که همگی همخوان [x] را به کار می‌برند؛ در میانه این پیوستار، گونه‌های لری شمالی واقع شده‌اند که از هر دو همخوان [x] و [h] استفاده می‌کنند. در واقع، در گونه‌های لری شمالی A که در اغلب جایگاه‌های شهرستان‌های نهاوند، ملایر، تویسرکان و بروجرد^۲ رایجند، گرایش به استفاده از همخوان [x] و در گونه لری شمالی B، به‌خصوص گونه B1 که عمدتاً در توابع شهرستان‌های خرم‌آباد، نهاوند، پلدختر و کوه‌دشت رواج دارد، گرایش به استفاده از همخوان سایشی [h] در صورت‌های آوایی مذکور وجود دارد.

ج- تناوب میان همخوان‌های [z] ~ [ʒ]: بنابر ارانسکی (۱۳۵۸: ۳۳۱)، تفاوت‌های آوایی که از زمان باستان، گونه‌های زبانی ایرانی شمال‌غربی (پارتی) و جنوب‌غربی (پارسی) را از یکدیگر جدا نموده، در گونه‌های معاصر ایرانی غربی به‌نحوی قابل مشاهده است. وی (۱۳۵۸: ۳۳۱-۳۳۴) در همین رابطه، به تعدادی از تناوب‌های موجود میان گونه‌های معاصر این دو گروه زبانی ایرانی غربی اشاره می‌کند که در این میان، تناوب میان دو همخوان [z] و [ʒ] در گونه‌های زبانی مورد مطالعه در این پژوهش قابل توجه است.

در برخی واژه‌ها نظیر (روز) و (زن)، تناوب میان دو همخوان [z] و [ʒ] میان گونه‌های لکی و لری وجود دارد. در ۱۰۰٪ گونه لکی مورد پژوهش، واژه (زن) [zan] به‌صورت [ʒan] و

^۱ صورت‌های زبانی مورد استفاده در این جدول، پربسامدترین صورت‌های رایج در آن گونه زبانی است.

^۲ روستاهای کفراج، دهفول، چو لک، پری، واشان، رحمان‌آباد، گلدره، قشلاق و کرزان‌رود.

در ۹۴٪ آن‌ها، واژه (روز) به‌صورت [ruʒ]، همانند معادل آن‌ها در اغلب گونه‌های زبان کردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معادل این دو واژه در گونه‌های لری شمالی و بختیاری همانند زبان فارسی به‌صورت [zan] و [ruz] به کار برده می‌شود.

د- تناوب بین همخوان‌های [d] ~ [z] ~ [ð]: تناوب بین همخوان [d] با دو همخوان [z] و [ð] را می‌توان در جایگاه آغازۀ معادل واژه (داماد) در ۷۶٪ گونه‌های لکی به صورت [zoma]، [duma] و [ðoma] و در ۹۲٪ گونه‌های لری شمالی به صورت [duma]، [dama] و [dama] مشاهده نمود. در واقع، گونه‌های لکی و کردی، واج زیرساختی [z] در معادل واژه (داماد) در زبان اوستایی [zamatar] و گونه‌های فارسی میانه (پهلوی)، فارسی معاصر و لری، واج زیرساختی [d] فارسی باستان در واژه [damatar] را حفظ کرده‌اند (MacKenzie, 1961: 73). ارانسکی (۱۳۵۸: ۳۳۱-۳۳۲) نیز، به این تناوب میان گونه‌های زبانی ایرانی شمال غربی و ایرانی جنوب غربی اشاره کرده: انطباق^۱ همخوان [z] شمال غربی با [d] جنوب غربی که منعکس‌کننده اختلاف باستانی [z] اوستایی و [d] پارسی باستانی و یا [z] پارتی و [d] فارسی میانه است.

جدول ۳. نمونه‌هایی از واژه‌هایی که در آن‌ها بین همخوان‌های [d] و [z] و [] تناوب وجود دارد

فارسی معاصر	فارسی میانه	فارسی باستان	لری	لکی	کردی	اوستایی
داماد	damad	damatar	duma, doma, dama	zoma, ðuma, ðoma	zuma	zamatar

ذ- تناوب همخوان‌های [x^w] ~ [x]: یکی از ویژگی‌های آوایی مشترک گونه‌های لکی با گونه‌های کردی، وجود همخوان سایشی نرم کامی بی‌واک لبی شده^۲ [x^w] به‌عنوان واج گونه‌ای واج [x] در واژه‌هایی همچون [x^war] و [x^wyn]، معادل واژه‌های (خواهر) و (خون) در زبان فارسی است. در برخی گونه‌های لری شمالی از توابع شهرستان‌های ملایر^۳، نهاوند^۴، خرم‌آباد^۵، کوه‌دشت^۶،

^۱ به احتمال زیاد، منظور ارانسکی از انطباق، همان تناوب آوایی است.

^۲ Labialization

^۳ روستاهای واشان، رحمان‌آباد، گلدره

^۴ روستاهای برزول، جهان‌آباد، ازنه‌ری، طائمه

^۵ روستاهای آب‌شباندر، دارائی، چنار و پل مامون

^۶ روستای مادیان‌رود

پل دختر^۱، دورود^۲ و اندیمشک^۳ نیز می‌توان کاربرد این واج‌گونه را مشاهده نمود. استفاده از همخوان سایشی نرم کامی بی‌واک [x] و همتای لبی‌شده آن [x^w]، از ویژگی‌های زبانی قابل توجه در گونه‌های مختلف کردی است (Gundoğdu, 2016 : 61- 62, 65). از همین‌رو، براساس فتاح (۲۰۰۰) و بلو (۲۰۰۱)، تأثیر زبان کردی از طریق گونه‌های لکی بر روی گونه‌های لری شمالی کاملاً واضح است.

۴-۲-۲. تناوب‌های واژگانی

الف - استفاده از صورت‌های آوایی متفاوتی همچون [xuvər, xuwar, xuwar, xu^war, tʃeʃm, l, [kor], [berər], [x^war, xəhar, xwar, xova, xovar, xowar, xowər dada, tʃeʃ, tʃaʃ] و [xala, hala] در بیشتر گونه‌های لری شمالی در مقابل صورت‌های [gaga, gagu, gaga, geja, geʔu, gija], [dade, dadə, daðe, deðu, deʔu], [betej, beti, bote, boti] و [te, ti, tija, tijel], [kuwak] در گونه‌های لری بختیاری. معادل فارسی این صورت‌های آوایی به‌ترتیب شامل واژه‌های خواهر، برادر، پسر، چشم و خاله است.

جدول ۴. نمونه‌هایی از تناوب‌های واژگانی میان گونه‌های لری شمالی و لری بختیاری در واژه‌های خواهر، برادر، پسر، چشم، خاله

لری بختیاری	لری شمالی	معادل فارسی
dada, dade, dadə, daðe, deðu, deʔu	xova, xovar, xowar, xuvar, xuwar, xu ^w ar,	خواهر
gage, gagu, gaga, geja, geʔu, gija	berər	برادر
kuwak	kor	پسر
ti, tija, tijel, te	tʃeʃm, tʃeʃ, tʃaʃ	چشم
betej, beti, bote, boti	xala, hala	خاله

^۱ روستاهای هلویش، وره‌زرد و کناربلوط

^۲ روستاهای توت، عمارت و سیره‌پایین

^۳ روستاهای بردگللال، دیونی و شاهزاده‌احمد

ب- در برخی واژه‌های گونه بختیاری، نسبت به گونه لری شمالی، از صورت‌های آوایی مشابه‌تری نسبت به فارسی استفاده می‌شود مانند معادل واژه فارسی (رنگین کمان) به صورت [ranginkamu, ranginkamɒn] در بختیاری و صورت‌های آوایی [sawzesir, sowzosil, sozotul, sɔwzəmsit, sɔzesil, sɔzesyl, sɔzetil, sɔzetyl, sɔzətɪl] در لری شمالی. البته در گروه لری شمالی B2، معادل این واژه مشابه معادل آن در گونه‌های بختیاری است.

ج- همچنین، برخی واژه‌های مورد استفاده در گروه لری بختیاری B، نسبت به همتایشان در گروه لری بختیاری A، مشابهت بیشتری با معادل فارسی آن دارند. نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در معادل واژه‌های برادر، تگرگ، خاله، خواهر، خانه، خانواده، داماد، عمه و مادر مشاهده نمود.

جدول ۵. نمونه‌هایی از تناوب‌های واژگانی میان گونه‌های لری بختیاری A و لری بختیاری B در واژه‌های برادر، تگرگ، خاله، خواهر، خانه، خانواده، داماد، عمه و مادر

معادل فارسی	لری بختیاری A	لری بختیاری B
برادر	gage, geʔu, gija	berar
تگرگ	tijerd, tegerd, teðerg	tegerg
خاله	beti, boti, betej	xala
خواهر	dade, deðu, deʔu	xar
خانه	huna	xuna
خانواده	hunevada	xunevada
داماد	duwa, deva, ðuma	duma
عمه	ketʃi	ʔama
مادر	da	mar

د- در برخی صورت‌های آوایی رایج در لری شمالی A و B2، از صورت‌هایی استفاده می‌شود که به معادل فارسی آن‌ها نزدیکی بیشتری دارد. نمونه‌ای از این واژه‌ها را می‌توان در معادل واژه (عروس) و (عمه) مشاهده نمود که در لری شمالی A به ترتیب به صورت [ʔarus] و [ʔama]،

در لری شمالی B1، در بیشتر موارد به صورت [bøji, beji] و [ketʃi] و در لری شمالی B2 صورت‌های [ʔarus] و [ʔama] استفاده می‌شود.

جدول ۶. نمونه‌هایی از تناوب‌های واژگانی میان گونه‌های لری شمالی A، لری شمالی B1 و لری شمالی B2 در واژه‌های عروس و عمه

معادل فارسی	لری شمالی A	لری شمالی B1	لری شمالی B2
عروس	ʔarus	bøji, beji	ʔarus
عمه	ʔama	ketʃi	ʔama

ذ- در لری شمالی B1، در ۸۰٪ جایگاه‌ها، معادل واژه فارسی (ستاره) به صورت [ʔasara] و در لری شمالی B2، در نیمی از جایگاه‌ها، از صورت آوایی [ʔasara] و در نیمی دیگر، از صورت آوایی [setara] (نزدیک به بختیاری و فارسی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، معادل واژه فارسی (سنگ)، در گونه لری شمالی B1 به صورت [bard] و در لری شمالی B2 به دو صورت [bard, saŋ] ادا می‌شود. این موارد خود نشان‌دهنده نزدیکی بیشتر گروه لری شمالی B2 به گونه‌های بختیاری و شاید فارسی است.

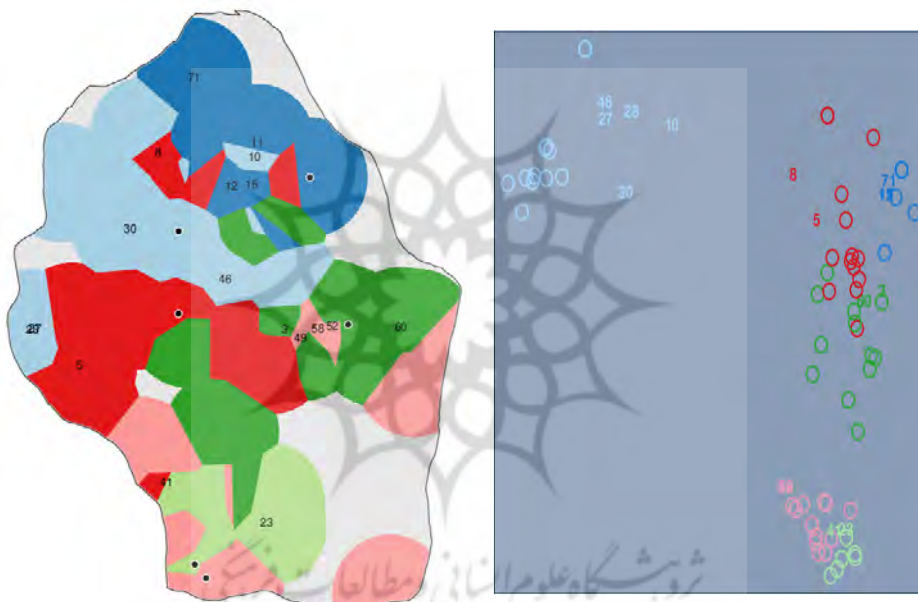
جدول ۷. نمونه‌هایی از تناوب‌های واژگانی میان گونه‌های لری شمالی B1 و لری شمالی B2 در واژه‌های ستاره و سنگ

معادل فارسی	لری شمالی B1	لری شمالی B2
ستاره	ʔasara	ʔasara- setara
سنگ	bard	bard- saŋ

ر- در دو گونه لری شمالی A و B1، صورت [ʔi(e)vara(e)] و در گروه لری شمالی B2، صورت‌های [pasinʔevɔra, ʔivɔra, ʔasr] پرکاربردترین معادل برای واژه فارسی (عصر) هستند؛ در حالی که در لری بختیاری این واژه به صورت [pasin, pasi] رایج است.

۳-۴. اعتبارسنجی خوشه‌بندی^۱

نتایج خوشه‌بندی به دست آمده در شکل شماره ۲، می‌تواند گمراه‌کننده باشد، زیرا گاهی خوشه‌های به دست آمده خوشه واقعی نیستند و با کوچکترین اختلال^۲ خوشه‌بندی تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد. به همین منظور، برای اعتبارسنجی از مقیاس‌گذاری چندبعدی استفاده می‌شود. اعتبارسنجی خوشه‌بندی، امکان جدیدی در برنامه گمپ است که توسط آن بازنمودهای نقشه‌نگاری از خوشه‌بندی‌های به دست آمده (در سمت چپ) با نتایج ام دی ایس (سمت راست) مقایسه می‌شود.



شکل شماره ۵. نقشه تأیید اعتبار خوشه‌های به دست آمده (سمت چپ) و نمودار دوبعدی MDS (سمت راست) به منظور تأیید اعتبار ۶ خوشه به دست آمده ($r=0.88$)

باتوجه به نمودار فوق، می‌توان تقسیم‌بندی واضحی بین شمال، جنوب، شمال غرب و شرق مشاهده نمود. براساس این نمودار، مشخص است که گونه‌های لکی (آبی روشن) در منطقه شمال غرب و تا حدودی غرب، کاملاً متفاوت و متمایز از دیگر گونه‌هاست و این امر مؤید این موضوع

^۱ Cluster validation

^۲ Noise

است که این گونه زبانی به شاخه زبانی مجزایی از گونه‌های لری تعلق دارد. همچنین، منطقه شمال شرقی پژوهش، گروه لری شمالی A (آبی تیره) نسبت به دو گونه B1 (قرمز) و B2 (سبز تیره)، گروهی مرتبط اما متمایز محسوب می‌گردد زیرا همچون این دو گروه زبانی با آنها آمیختگی ندارد. در بخش جنوبی این نمودار نیز، دو گروه زبانی لری بختیاری A (صورتی) و B (سبز روشن)، از دیگر گونه‌های موجود متمایز هستند، اما ارتباط و همبستگی معناداری را با یکدیگر نشان می‌دهند.

اعداد موجود بر روی نقشه و نمودار با یکدیگر انطباق دارند. این اعداد، نشان‌دهنده جایگاه‌هایی هستند که به‌خوبی با جایگاه‌های خوشه خود از نظر زبانی مطابقت ندارند و به‌نوعی مستثنی‌تر از دیگر جایگاه‌های گروه خود هستند. براین اساس، جایگاه‌های برآفتاب علیا، ایسپره و گل‌مهک در خوشه لری بختیاری B و جایگاه‌های برآفتاب، دره‌اسبر و چمنار در لری بختیاری A، وضعیت خاص‌تری نسبت به دیگر جایگاه‌های گونه بختیاری دارند. همچنین در خوشه لری شمالی A، جایگاه‌های کرزان‌رود، رحمان‌آباد، واشان و گلدره، در خوشه لری شمالی B2، جایگاه‌های شریف‌آباد و توت و در گروه لری شمالی B1، جایگاه‌های وره‌زرد و ازنه‌ری، وضعیت ویژه‌ای در میان دیگر مناطق مورد بررسی این گروه‌های زبانی دارند. در گونه لکی نیز، جایگاه‌های شورابه بهرام‌بیگ، شورابه پایین‌یک، اسدآباد، چغلوندی و نازول دارای وضعیت خاص‌تری نسبت به باقی جایگاه‌ها هستند.

۴-۴. اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش

ضریب همبستگی پیرسون^۱ بین ماتریس‌های فاصله تمامی واژه‌های این پژوهش، معادل $r=0.88$ است. ضریب همبستگی پیرسون، نشان می‌دهد که ارزش‌های مقیاس‌گذاری چندبعدی، بازنمایی مناسبی از فاصله‌های اصلی هستند. مقدار این ضریب بین ۱- تا ۱ متغیر است. عدد ۱ به معنای همبستگی کامل مثبت، ۰ به معنای نبود همبستگی و ۱- به معنای همبستگی کامل منفی است. هرچه ضریب همبستگی به ۱ نزدیک‌تر باشد، نتایج به دست آمده قابل اطمینان‌تر هستند. آستانه مورد قبول ضریب همبستگی در علوم اجتماعی، معادل ۰/۷۰ یا بیش از ۰/۷۰ است. بنابراین، با توجه به مقدار ضریب همبستگی به دست آمده در این پژوهش، نشان از درصد همبستگی بالا و معناداری برای اعتبارسنجی نتایج حاصل از این پژوهش است. بنابراین، کارآمدی استفاده از

¹ Pearson's Correlation Coefficient

رویکرد گویش‌سنجی فاصله لונشتاین در تعیین خوشه‌های زبانی اصلی گونه‌های مورد مطالعه و پیوستاری بودن ماهیت زبان مورد تایید قرار گرفت.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش به دست آمد، تقسیم‌بندی جدیدی از زیرگونه‌های لری رایج در حد فاصل جنوب استان همدان تا شمال استان خوزستان (با پوشش‌دهی کل استان لرستان) با استفاده از الگوریتم فاصله لونشتاین است. براین اساس، زیرخوشه‌های به دست آمده متفاوت از نتیجه حاصل شده از پژوهش آنوبی (2003a: 182-184) است. در پژوهش وی، گونه‌های زبانی لری، به سه گونه اصلی تقسیم شده‌اند: لرستانی، بختیاری و لری جنوبی (این گونه زبانی از گونه‌های رایج در محدوده جغرافیایی مورد مطالعه این پژوهش نیست) که در این میان گونه‌های لری لرستانی (گونه لری شمالی در پژوهش حاضر) به گونه‌های خرم‌آبادی، بروجردی، نهاوندی، لری اندیمشک و گونه‌های روستایی اطلاق شده‌است و گونه‌های لری بختیاری نیز به زیرگروه‌های هفت‌لنگ، چهارلنگ، چلگرد و کوهرنگ تقسیم شده‌اند. براساس این گروه‌بندی، عمدتاً نام‌گذاری‌های گونه‌های زبانی، جغرافیامحور و یا براساس معیارهای قومیتی بوده‌است؛ مشابه این تقسیم‌بندی را می‌توان در مطالعات صفی‌نژاد (۱۳۸۱)، امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۱) و مک‌کینان (2011) نیز مشاهده نمود (بخش ۳-۱).

همچنین، از آنجایی که عمده مناطق لر زبان ایران، از استان همدان آغاز و به استان فارس و بوشهر منتهی می‌گردد، گونه‌های زبانی لری رایج در بخش شمالی این محدوده جغرافیایی، در این پژوهش، همسو با نام‌گذاری آن توسط فهرست لینگویست^۱، با عنوان لری شمالی انجام شد تا تقابل آن با دیگر گونه‌های لری رایج در نیمه جنوبی مناطق لر زبان یعنی استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، فارس و بوشهر با عنوان لری جنوبی، مشخص شود. این عنوان، منطبق با نام‌گذاری این گروه زبانی با عناوین لر کوچک یا لری فیلی (صفی‌نژاد)، لر کوچک یا لری شمالی (مان و ایزدپناه)، لری باختری (امان‌اللهی بهاروند) و لری لرستانی (آنوبی) است.

همچنین، تقسیم‌بندی این شاخه زبانی لری به زیرشاخه‌هایی همچون بروجردی، خرم‌آبادی و ... (بنابر آنچه تا به حال انجام شده) نیز نگاهی بسیار کل‌گرایانه و نادیده گرفتن دیگر گونه‌های زبانی رایج در آن‌هاست. زیرا براساس یافته‌های این پژوهش، در اکثر مناطق و شهرستان‌های واقع

¹ <https://linguistlist.org>

در محدوده جغرافیایی موردنظر، بیش از یک گونه زبانی اصلی رواج دارد که نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان در جایگاه‌هایی از توابع شهرستان‌های نهاوند، بروجرد، کوهدشت، سلسله، خرم‌آباد، دورود و دلفان (لکی و لری شمالی) و همچنین جایگاه‌هایی واقع در شهرستان‌های دورود، الیگودرز و اندیمشک (لری شمالی و لری بختیاری) مشاهده نمود به همین علت، در این پژوهش، در نام‌گذاری زیرگروه‌های به دست آمده از گونه‌های لری رایج در منطقه، از عناوین لاتین A، B و... استفاده شده است.

همان‌گونه که در بخش (۴-۱) بدان اشاره شد، براساس تحلیل داده‌های این پژوهش، مشخص شد که گونه‌های زبانی رایج در منطقه مورد مطالعه، پیوستاری زبانی را تشکیل می‌دهند و کشیدن خطی قطعی میان آن‌ها همچون روش‌های سنتی عملاً امکان‌پذیر نیست. این پیوستار زبانی، با گونه لری شمالی A آغاز شده و به لری بختیاری B منتهی می‌گردد. در این میان، گونه لری شمالی B1 که در نیمه غربی حوزه جغرافیایی مربوطه رایج است، از نظر آوایی - واژگانی، شباهت و نزدیکی بیشتری به گونه لکی از خود نشان می‌دهد. همچنین گونه لری شمالی B2، که در نیمه غربی منطقه رواج دارد، با گونه بختیاری A از لحاظ آوایی و واژگانی نزدیکی زبانی بیشتری دارد. گونه لری شمالی A نیز، شامل جایگاه‌هایی است که عمدتاً در استان همدان واقع شده‌اند و تنها منطقه کوچکی از شهرستان بروجرد در استان لرستان را نیز در برمی‌گیرد.

ویژگی پیوستاری بودن را می‌توان در تفاوت‌ها و تناوب‌های آوایی و واژگانی موجود میان سه گونه زبانی اصلی، در زیربخش‌های (۴-۲) و (۴-۲-۲) نیز مشاهده نمود: تناوب غلت [w] با همخوان‌های [b]، [m] و [v]، تناوب همخوان‌های [b] و [v]، تناوب همخوان‌های [z] و [ʒ]، تناوب همخوان‌های [x] و [h]، تناوب همخوان [d] با دو همخوان [z] و [ð]، تناوب همخوان‌های [x] و [xʷ] و تناوب‌های واژگانی.

همچنین همان‌گونه که در بخش (۴-۳) نیز مشاهده شد، ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده نیز درصد همبستگی بالا و معناداری را برای اعتبارسنجی نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد. بنابراین، کارآمدی استفاده از رویکرد گویش‌سنجی فاصله لונشتاین در تعیین خوشه‌های زبانی اصلی گونه‌های مورد مطالعه و پیوستاری بودن ماهیت زبانی آن‌ها مورد تایید قرار گرفت.

فهرست منابع

ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵). *صورة الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ابوالفداء. (۱۳۴۹). *تقویم‌البلدان*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آرانسکی، ای. م. (۱۳۵۸). *مقدمه فقه اللغة ایرانی*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- آرلاتو، آنتونی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرسی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اساطوریان، گارنیک. (۱۳۹۷). *کردها و خاستگاه آنها: روش‌شناسی مطالعات کردی*، ترجمه صنعان صدیقی. تهران: انتشارات فرهامه.
- اسدپور، هیوا. (۱۳۹۱ الف). «اطلس زبانی رایانه‌ای آذربایجان غربی: رویکردی رده‌شناختی-ادراکی در زبان‌شناسی جغرافیایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- (۱۳۹۱ ب). «بررسی گونه‌های زبانی در استان آذربایجان غربی با روش فاصله‌سنجی گویشی»، *ویژه‌نامه فرهنگستان (زبان‌ها و گویش‌های ایرانی)*، دوره جدید بهار و تابستان شماره ۱، صص ۱۷۳.
- امان‌اللهی، سکندر. (۱۳۷۱). *قوم لری*، تهران: نشر آگه.
- ایزدیناه، حمید. (۱۳۴۳). *فرهنگ لری*، تهران: انتشارات اساطیر.
- (۱۳۵۷). *فرهنگ لکی*، تهران: انتشارات اساطیر.
- حصوری، علی. (۱۳۴۲). *گزارش گویش‌های لری*، تهران: کتابخانه طهوری.
- حیدری‌زاد، محسن؛ مدرسی‌قوامی، گلناز. (۱۳۹۸). «اطلس گویشی چرداول: بررسی تنوعات آوایی و اندازه‌گیری فاصله گویشی». *نشریه زبان‌شناسی تطبیقی*، ۹ (۱۸)، صص ۴۵-۶۴.
- دریس زایری، مهناز. (۱۳۹۴). «طرح ملی گویش‌شناسی ایران شماره ۱۳ (۲۰ روستا در شمال استان لرستان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- دیناروند، زهرا. (۱۳۹۲). «طرح ملی گویش‌شناسی ایران شماره ۱۴ (۲۰ روستا در جنوب استان لرستان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- راولینسون، هنری. (۱۳۶۰). *سفرنامه راولینسون؛ گذر از زهاب به خوزستان*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا. (۱۳۹۵). «اطلس گویشی و اندازه‌گیری گویشی در استان همدان». *مجله جستارهای زبانی*، (۲۹)، صص ۵۹-۸۰.

رستم‌بیک تفرشی، آتوسا؛ رضانی، احمد. (۱۳۹۶). «تعیین مرزهای زبانی: از اطلس گویشی تا گویش‌سنجی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، *ویژه‌نامه فرهنگستان*، شماره ۸، صص ۱۳۷-۱۶۲.

سعیدی، مهناز. (۱۳۹۱). «طرح ملی گویش‌شناسی ایران شماره ۱۱ (۲۰ روستا در شمال استان خوزستان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، *دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*.

سنایی، یاسر. (۱۳۹۵). «بررسی تنوع گویشی نواحی شمال استان ایلام: تدوین اطلس گویشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، *دانشگاه پیام نور واحد ورامین*. صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۸۱). «شیوه‌های اخذ مالیات در مناطقی از عشایر لر نشین ایران». *مجله نامه انسان‌شناسی*، شماره ۱(۱)، صص ۱۷-۳۱.

ضیا مجیدی، لیلا؛ حق‌بین، فریده. (۱۳۹۷). «نمود فعل در زبان لری و گونه‌های آن»، *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۹۳-۱۱۰.

عسکری عالم، علیمردان. (۱۳۸۴). *فرهنگ واژگان لری و لکی*، خرم‌آباد: انتشارات افلاک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*، تهران: انتشارات سمت. کرمان، غلامرضا. (۱۳۹۲). *واژگان اشکانی و ساسانی در زبان لری*، تهران: ناشر: مولف. گراوند، رامیه؛ کریمی دوستان، غلامحسین؛ غلامی، وحید؛ ورزنده، امید. (۱۳۹۹). «بررسی دستگاه واجی گویش لکی کوه‌دشت»، *مجله زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۵ (۲)، صص ۲۹۵-۳۱۴.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۳). *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مسعودی، ابوالحسن. (۱۳۶۵). *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مقدسی، بوعلی‌الله محمدبن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، جلد دوم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.

ملایی پاشایی، سیف‌الله. (۱۳۹۳). «گویش سنجی رایانشی دامنه شمالی البرز مرکزی بر پایه الگوریتم لونشتاین: تدوین یک اطلس زبان‌شناختی»، رساله دکتری رشته زبان‌شناسی، *دانشگاه پیام نور مرکز تهران*.

نجفیان، آرزو؛ موسوی، طیبه؛ روشن، بلقیس؛ ملایی پاشایی، سیف‌الله. (۱۳۹۵). «بازشناسی زبان‌شناختی و جغرافیایی گونه‌های زبانی مازندرانی در حد فاصل خلیج گرگان تا مرکز مازندران با اعمال روش‌های گویش‌سنجی بر تفاوت‌های آوایی»، *مجله جستارهای زبانی*، ص. ۳۴، ۴۴۵-۴۶۹.

مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۸۸). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Abulfeda. (1349). *Taqwim al- Buldan*, Tehran: Iranian Culture Foundation (In Arabic).
- Amanollahi, S. & Thackston, W.M. (1986). *Tales from Luristan*. Boston: Harvard Iranian Series.
- Anonby, E. J. (2003). Updates on Luri: How Many Language. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 13 (02), pp. 171-197.
- Anonby, E. J. (2004-2005). Kurdish or Luri? Laki's disputed identity in the Luristan Province of Iran. *Kurdische Studien* 4/5, pp. 7-22.
- Asatrian, G. (1991). *West Iraninan Dialect Materials: Short Stories of Baxtiaris*, University of Copenhagen, Museum Tusculanum Press, Vol.II.
- Asatrian, G. (2009). Prolegomena to the Study of the Kurds. *Journal of Iran and Caucasus*, pp. 131, 1-59.
- Blau, J. (1989). *Le Kurde lori, Etudes irano- aryennes offertes a Gilbert Lazard*, *Cahier de Studia Iranica* 7, pp. 37- 58.
- Chambers, J.K. and Trudgill, P. (2004). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Dadras, S.M. ; Izadi, O. and Rezaei, S. (2021). The Origin of the Term Luri Language : A Historical Investigation, *Journal of Oriental Studies*.
- Fattah. I.K (2000). *Les Dialectes Kurdes Meridionaux: Etude Linguistique Dialectologique*. *Acta Iranica*, 37, xxii-919.
- Goeble, H; and Schiltz.G. (1997). *A Dialecto Metrical Compilation of CLAE and CLAE*.
- Goeble, H. (1982). *Dialektometrie; Prinzipien und Methoden des Einsatzes der numerischen Taxonomie im Bereich der Dialektgeographie*. Wien: Verlag der Öst, Akademie der Wissenschaften. pp. 4-40.

- Goeble, H. (1984). Dialektometrische Studien anhand italo-romanischer, rätoromanischer und galloromanischer Sprachmaterialien aus AIS und ALF. Bd.1 (Bd.2 und 3 enthalten Karten und Tabellen). Tübingen: Max Niemeyer. pp. 37-81.
- Grimes.B. & Grimes.J. (1996b), Ethnologue: Language Family Index, Dallas, pp. 56-57.
- Gundogdu, s. (2016). Remarks on vowel and consonants in Kurmanji. Journal of Social Sciences of Mus Alparslans University, 4 (1), pp. 57-69.
- Heeringa, W.J. (2004). Measuring Dialect Pronunciation using Levenshtein Distance. PhD Dissertation in Linguistics, University of Groningen.
- Ibn Hawqal. (1345). Surat al- ard. Tehran: Iranian Culture Foundation (In Arabic).
- Kessler, B. (1995). Computational Dialectology in Irish Gaelic. In Proceedings of the 7th Conference of the European Chapter of the Association for Computational Linguistics, Dublin, EACL, pp. 60-67.
- Lazard, G. (1992). Le Dialects Laki d' Aleshtar (Kurde Meridionale). Journal of Studia Iranica, 21, pp. 215- 245.
- Lorimer, D.L.R. (1922). The Phonology of the Bakhtiari, Badakhshani and Madaglashti Dialects of Modern Persian. Royal Asiatic Society: London.
- MacKenzie, D.N. (1961). The Origins of Kurdish. Transactions of Philological Societies, 60 (1), pp. 68- 86.
- MacKinnon, C. (1974). The Phonology and Morphology of Dezfuli-Shushtari: A Study in West Persian Dialectology, unpublished Dissertation, Ann Arbor.
- MacKinnon, C. (2002). The Dialect of Xorramabad and Comparative Notes on other Lor Dialects, Studia Iranica 31, pp. 103- 38.
- MacKinnon, C. (2011). Lori Language, Lori Dialect. Iranica Encyclopaedia.
- Mann, O. (1904). Kurze Skizze der Lurdialecte, Sitzungsberichte der Königlichen Preubischen Akademie der Wissenschaften, Berlin, pp. 1173- 93.
- Mann, O. (1910), Die Mundarten der Lur Stamme im Sudwestlichen Persien, Kurdish- Persische Forschungen, Berlin.
- Minorsky, V. (1986a): Lak, The Encyclopaedia of Islam, New Edition, vol.5: Khe- Mahi, Leiden: Brill, pp.616-7.
- Nerbonne, J. & Heeringa, W. (1997). Measuring Dialect Distance Phonetically: In Computational Phonology. Third Meeting of the ACL Special Interest Group in Computational Phonology, pp. 11-18.
- Seguy, J. (1973). La dialectometrie dans l Atlas linguistique de la Gascogne. In Revue de Linguistique Romance, vol. 37, pp. 1-24.

- Serva, M. & Petroni, F. (2007). Indo- European Languages tree by Levenshtein Distance. Europhysics Letters 81.68005.
- Unvala, J.M. (1959). Contribution to Modern Persian Dialectology: The Lur and Dizfuli Dialects, Iran Society, Calcutta.
- Windfuhr, G. (1990). New West Iranian Languages. Ed. R.Schmitt, Compendium Linguarum Iranicarum, p. 248.
- Windfuhr, G. (2009). Iranian Languages. London and New York: Routledge.
- Zhukovskii, V.A. (1922). Materialy dlya izucheniya persidskikh narechii III. Narechie Bkhtiyarov Chaharleng I Kheftleng (materials for the study of Persian dialects III. Dialect of the Chahar-Lang and Haft- Lang Bakhtiari), Ptrograd.



Recognition of the Linguistic- Geographical Distribution of Lori Language Varieties in Three Provinces of Hamadan, Lorestan and Khuzestan: Using a Dialectometric Approach

Shiva Piryaee¹

Abstract

In this research, the linguistic data of 80 locations in the geographical area of southern Hamadan province, Lorestan province, and northern Khuzestan province have been studied by using a mapping and dialectometric software package (Gabmap) and Levenshtein's distance algorithm. The aim of this study is to obtain a concise clustering of the common language varieties in the region and how they relate to each other by drawing maps, plots, and diagrams, and finally to obtain an image of the linguistic and ethnological status of the residents of the area. The required data of this research includes 100 words that were collected by field and library methods from 80 native speakers; therefore a total of 8000 words were measured in this study. As a result of this research, three main language varieties of Northern Lori, Lori Bakhtiari and Laki were identified in the area. According to this research, five subclusters (Northern Lori A, North Lori B1, North Lori B2, Lori Bakhtiari A and Lori Bakhtiari B) were identified. These subclusters are different from the previous classifications of Lori varieties and are distributed in the geographical area as a linguistic continuum. Examining the phonetic and lexical alternations of the data in this research also confirms the continuous nature of these language varieties.

Keywords:

Dialectometry, Levenshtein's Distance Algorithm, Lori Language, Laki Language, Phonetic- Lexical Alternation.

¹ Ph.D in Linguistics of Tarbiat Modares University - Member of the Linguistics Department of the Center for Islamic Encyclopaedia, Encyclopaedia of Iranian Languages and Dialects. Center for Islamic and Islamic Studies (Center for Iranian and Islamic Studies).